



هماهنگی و آهنگ خوب تربیت

بررسی راه‌های مناسب ارتباط خانه و مدرسه و ارائه راهبردهای بهبود

تربیت درست

حاصل ضرب خانه و مدرسه

محمد معین دانش‌پور، دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان ایلام

این تحقیق در راستای مدیریت فرایندمدار و بهبود مستمر کیفیت آموزشی در مدرسه انجام شده است. هدف آن شناسایی و تجزیه و تحلیل شیوه‌هایی برای بهبود روابط خانه و مدرسه است. برای دستیابی به هدف‌های این پروژه از مبنای نظری و علمی «مدیریت کیفیت جامع» و روش کاربردی ارتباط خانه و مدرسه، با تأکید بر مدیریت «فرایندمدار» استفاده شده است. پس از شرح وضع موجود و ترسیم وضعیت قابل انتظار، با استفاده از ابزارهایی چون نمودار هم‌گرایی، ماتریس «سوات» (SWOT) و ... به تشخیص و تجزیه و تحلیل شیوه‌های مؤثر ارتباط خانه و مدرسه پرداختیم و با تعیین فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت قابل انتظار، راه‌حل‌ها و پیشنهادهایی برای به حداقل رساندن این فاصله و هرچه نزدیک‌تر شدن رابطه‌های خانه و مدرسه ارائه کردیم.

پیشرفت تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان دارد. یک دلیل مهم ارتباط نداشتن والدین با مدرسه‌ها، نبود طرح یا الگوی سازمان‌یافته‌ای است که بر اساس آن امر ارتباط صورت پذیرد. مربیان و والدین همواره به کمک هم سعی داشته‌اند که روابط جدی مؤثری میان خود برقرار کنند، زیرا اکثر والدین و اولیای مدرسه هدف‌های مشترکی را در قبال کودکان و نوجوانان دنبال می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند به نوجوانان کمک کنند افرادی مستقل بار آیند، از تعلیم و تربیت صحیح برخوردار شوند و سرانجام انسان‌های بی‌تفاوتی در جامعه نباشند و از نظر اخلاقی احساس مسئولیت کنند.

شرح وضعیت موجود

در دنیای امروز، خانه و مدرسه کاملاً از هم بیگانه‌اند. شاید همه

کلیدواژه‌ها: اولیای مدرسه، والدین، ارتباط خانه و مدرسه، تعلیم و تربیت

مقدمه

«در صورت عدم ارتباط خانه و مدرسه، و اولیا و مربیان، تعلیم و تربیت کودکان آن‌طور که باید انجام نخواهد شد و در صورت نبود این همکاری، تناقض‌هایی در ذهن کودک ایجاد خواهد شد.»

مقام معظم رهبری، مجله پیوند، شماره ۱۵۹، دی‌ماه ۱۳۷۱
تعلیم و تربیت با مشکلات بی‌شماری مواجه است. یکی از مهم‌ترین مشکلات آن است که هرگز روابط و مشارکت بین والدین و اولیای مدرسه هماهنگ و هم‌سو نبوده است، در حالی که مشارکت و ارتباط خانه و مدرسه تأثیری مهم در

ما به نحوی با مشکلاتی که در ادامه برمی شماریم، مواجه بوده ایم یا هستیم. هرگاه از طرف مدرسه دعوت نامه ای برای والدین فرستاده می شود، آن ها مبلغی را در پاکت می گذارند و تحویل فرزندشان می دهند؛ بدون اینکه بدانند مدرسه نیازمند مشارکت فکری آنان است. این برداشت، خواه درست یا نادرست، برداشت زیان باری است و نهادینه شدن آن در ذهن اولیا، مدرسه را از پشتوانه فکری اولیا محروم می کند.

در جلسه هایی که به منظور بررسی وضعیت مدرسه و نحوه آموزش و تربیت در آموزشگاه گذاشته می شود، اولیا با رغبت چندانی شرکت نمی کنند و فقط با این هدف که نمره انضباط فرزندشان کم نشود، در جلسه حاضر می شوند. اولیا برای تمام کمبودها و نقض های مدرسه فرزندشان، فقط مدرسه و اولیای مدرسه را مقصر می دانند و برای خود در این زمینه نقشی قائل نیستند. آن ها با این ایده که در طول چهار ساعت حضور بچه ها در مدرسه می توان آن ها را برای زندگی اجتماعی آینده و اجرای برنامه های آموزشی و درسی مهیا کرد، ایمان کامل دارند.

اگر از ولی دانش آموزی خواسته شود برای مشخص شدن وضعیت تحصیلی فرزندش در مدرسه حضور یابد، به مدرسه می آید، ولی بدون اینکه کوچک ترین نتیجه ای عاید شود، مدرسه را ترک می کند. بعضی اولیا برای حضور نیافتنشان در مدرسه بهانه تراشی می کنند و مثلاً وجود بچه خردسال در خانه یا داشتن کار را بهانه قرار می دهند. برخی از اولیا نیز بر خورد ناصحیح اولیای مدرسه را در سال های گذشته، علت ارتباط داشتنشان با مدرسه ذکر می کنند. والدین از مسئولان آموزشی دوری می جویند، چون آن ها را درک نمی کنند و یا احترامی برایشان قائل نیستند. اولیای مدرسه هم به همین دلیل، رفتاری مشابه با والدین دارند.

مشکل اولیه حاصل رابطه نامطلوب و نامناسب دو نهاد خانه و مدرسه است. کادر آموزشی و والدین بیش از آنکه برای حل مشکلات همکاری و هم فکری داشته باشند، یکدیگر را به خاطر انبوه معضلاتی که دانش آموزان دارند، سرزنش می کنند. موفقیت دانش آموزان بیشتر تحت تأثیر متقابل معلم - شاگرد قرار دارد و ارتباط خانه و مدرسه امکان موفقیت دانش آموزان را تقویت می کند. این موضوع به خوبی ثابت می کند که کارکنان آموزشی مدرسه ها و والدین مایل اند ارتباط سازنده تری با یکدیگر داشته باشند، اما هنوز طرح جامعی وجود ندارد که با استفاده از آن بتوانیم تعیین کنیم چگونه این ارتباط می تواند با موفقیت برقرار شود.

ترسیم وضعیت قابل انتظار

وقتی کودکان به دبستان می روند، محیط اجتماعی - انسانی آنان گسترش می یابد. اگرچه وظیفه عمده دبستان را تربیت عقلی دانش آموزان دانسته اند، ولی آیا می توان از رشد اجتماعی، عاطفی و ... آنان در این دوره غفلت کرد؟ رشد شخصیت کودکان تابعی از ارتباط خانه و مدرسه است. اگر رابطه خانه با مدرسه درست باشد، کودکان با شوق بیشتری به مدرسه می آیند و برای پیشرفت درسی تشویق می شوند. همچنین مشکلات آنان به موقع مورد توجه قرار می گیرد و برای حل مشکلات، به والدین آموزش های لازم داده می شود. بنابراین رابطه صحیح والدین با اولیای مدرسه و برخورد درست با موقعیت کودکان در این مرحله از رشد باعث

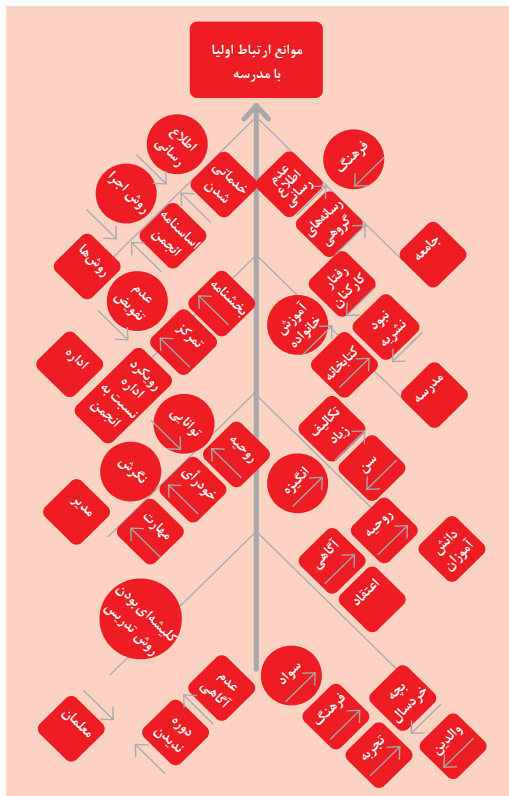
تسهیل رشد همه جانبه شخصیت آنان می شود.

روش پژوهش

در این بخش ابتدا مسائل و مشکلات مربوط به ارتباط خانه و مدرسه را به وسیله ابزار استخوان ماهی، ابزار حیطه نیرو، و ابزار پنج چرا مورد تجزیه و تحلیل قرار دادیم تا بتوانیم مسائل را شناسایی و تشخیص دهیم. تشخیص درست مسائل به ما کمک خواهد کرد نسخه درستی نیز ارائه دهیم. تشخیص و درمان درست، به نتیجه درست نیز منجر خواهد شد. برای اینکه بتوانیم مسائل را به خوبی تجزیه و تحلیل کنیم، از روش های متفاوت می توانیم استفاده کنیم. این روش ها به طور مرسوم در کتاب «مدیریت فرایندمدار در مدرسه»، تألیف دکتر حیدر تورانی مطرح شده اند.

برای حل مسئله لازم است علت های به وجود آورنده آن ارتباط علت ها با هم شناخته شوند. ابزار استخوان ماهی ما را در جمع آوری داده های مورد نیاز یاری می دهد و با کاربرد آن می توانیم علت ها را ریشه یابی کنیم. برای استفاده از روش استخوان ماهی، به شکلی که علل مشکلات کاملاً مورد توجه قرار گیرند، در وهله نخست باید مسئله مورد مطالعه را در محل سر ماهی قرار دهیم. سپس روی استخوان بزرگ ماهی عوامل اصلی بروز مشکل را فهرست کنیم و بعد روی استخوان های کوچک تر موردهای مؤثر بر عوامل اصلی بگذاریم. پس از فهرست کردن عوامل اصلی، قوی ترین عامل ها را روی نمودار با رسم بیضی یا دایره مشخص می کنیم.

نمودار ۱. ابزار یا نمودار استخوان ماهی





ابزار حیطه نیرو

و تهدیدها را شامل می‌شوند و عوامل جلوبرنده، فرصت‌ها و قدرت‌ها را در بر می‌گیرند.

اگر عوامل جلوبرنده به داخل مدرسه ما برگردند، قوت مدرسه ما به حساب می‌آیند و اگر این عوامل به خارج مدرسه ما برگردند، جزو فرصت‌های مدرسه ما خواهند بود. اگر عوامل بازدارنده در مدرسه ما باشند، ضعف مدرسه ما به حساب می‌آیند و اگر این عوامل به خارج از مدرسه ما برگردند، جزو تهدیدهای مدرسه ما هستند. باید توجه داشت که بازدارنده‌ها یا تهدیدند یا ضعف، و جلوبرنده‌ها قوت یا فرصت هستند.

ابزار حیطه نیرو به وسیله کورت لوین مطرح شد. این ابزار روشی است که عوامل مقابله و همچنین عوامل ترغیب برای تغییر را شناسایی می‌کند. با سنجش عوامل در هر دو طرف و خنثاکردن عوامل منفی به شکل مؤثر می‌توان برنامه عمل برای موفقیت با احتمال زیاد را توسعه داد. روشی را که به کار گرفته می‌شود، «روش تجزیه و تحلیل میدان نیرو» می‌گویند. در دو سمت ابزار حیطه نیرو عوامل بازدارنده و عوامل جلوبرنده وجود دارند. عوامل بازدارنده بیشتر ضعف‌ها

جدول ۱. عوامل جلوبرنده و عوامل بازدارنده حیطه نیرو

عوامل جلوبرنده	عوامل بازدارنده
<ol style="list-style-type: none"> ۱. استقبال والدین از داشتن ارتباط ۲. علاقه مدیر به داشتن ارتباط ۳. آگاهی معلمان از اهمیت و ضرورت ارتباط ۴. حمایت مدیر منطقه ۵. تحصیلات عالی برخی از اولیا ۶. اشتیاق دانش‌آموزان به فعالیت‌های ورزشی ۷. تشکیل کلاس‌های آموزش خانواده ۸. اشتیاق دانش‌آموزان برای کار گروهی ۹. وجود روحیه همکاری بین دانش‌آموزان ۱۰. اشتیاق اولیا برای شرکت در اردوها 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. پایین بودن آگاهی والدین ۲. نبودن نشریه در سطح منطقه ۳. علاقه اولیا به کار فردی ۴. نبود جلسه‌های مشورتی در مدرسه ۵. نبود کتابخانه مجهز در سطح منطقه ۷. حجم زیاد کتاب درسی ۸. نبود آموزش ضمن خدمت برای مدیران در زمینه ارتباط ۹. کمبود سرائه مدرسه‌ها ۱۰. تجربه کافی نداشتن کارمندان ۱۱. ترس از وقوع حادثه‌های ناگوار ۱۲. خدماتی شدن جلسه‌های انجمن ۱۳. نبود انگیزه برای خواندن مجله پیوند

جدول ۲. عوامل مؤثر بر ارتباط خانه و مدرسه حیطه نیرو

عوامل جلوبرنده ارتباط خانه و مدرسه		عوامل بازدارنده ارتباط خانه و مدرسه	
قوت	فرصت	ضعف	تهدید
<ol style="list-style-type: none"> ۱. علاقه مدیر ۲. آگاهی معلمان ۳. اشتیاق دانش‌آموزان به فعالیت‌های ورزشی ۴. تشکیل آموزش خانواده ۵. اشتیاق دانش‌آموزان به کارهای گروهی 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. استقبال والدین ۲. حمایت مدیر منطقه ۳. تحصیلات عالی برخی از اولیا ۴. اشتیاق اولیا برای شرکت در اردوها 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. نداشتن جلسه‌های مشورتی در مدرسه ۲. نداشتن کتابخانه مجهز ۳. تجربه کافی نداشتن کارکنان 	<ol style="list-style-type: none"> ۱. پایین بودن آگاهی والدین ۲. نبودن نشریه در سطح منطقه ۳. علاقه به کار فردی توسط اولیا

ابزار پنج چرا

پاسخ به سؤالی که پنج بار تکرار شود، دلیل‌های بروز مشکل ظاهر خواهند شد. از این طریق می‌توانیم به علت اصلی مشکل پی ببریم و از همان ابتدا دچار قضاوت شتاب‌زده نشویم. با این انگیزه گروه، به طرح پنج سؤال در خصوص ارتباط خانه و مدرسه پرداخت.

آشکار شدن عوامل پنهان پشت مسئله غالباً فرایندهایی را می‌طلبد که عمیقاً مسئله را بررسی کنند و پاسخ ساده به سؤال «چرا» به تنهایی کافی نیست. یک مثل ژاپنی می‌گوید: تنها بعد از

جدول ۳. ابزار پنج چرا

پنج چرا

- ۱- چرا اولیا نسبت به ارتباط با مدرسه بی‌انگیزه هستند؟
چون برای ارتباط خانه با مدرسه بستر سازی مناسبی انجام نشده است.
- ۲- چرا برای ارتباط خانه با مدرسه بستر سازی مناسبی انجام نشده است؟
چون از اهمیت ارتباط خانه و مدرسه بی‌خبر هستند.
- ۳- چرا از اهمیت خانه و مدرسه بی‌خبر هستند؟
چون انجمن‌ها جنبه خدماتی پیدا کرده‌اند
- ۴- چرا انجمن‌ها جنبه خدماتی پیدا کرده‌اند؟
چون در این زمینه آموزش کافی ارائه نمی‌شود.
- ۵- چرا در این زمینه آموزش کافی ارائه نمی‌شود؟
چون از اهمیت موضوع آگاهی ندارند.

نتیجه‌گیری

پس از بررسی وضع موجود و ترسیم وضعیت مورد انتظار، شکاف این دو، در جلسه‌های مکرر بارش فکری، توسط اعضای گروه شناسایی و تجزیه و تحلیل شد. در وضعیت موجود اولیا منتظر دعوت‌نامه هستند. هدف از شرکت آن‌ها در جلسه‌های انجمن کسرنشدن نمره انضباط فرزندشان است و برای نداشتن ارتباط با مدرسه بهانه‌تراشی می‌کنند. کم‌رغبتی برای داشتن ارتباط، بی‌سوادی والدین، و کمبود سرانه آموزشگاه‌ها از دیگر عوامل ضعف ارتباط اولیا با مربیان است.

در حالی که در وضعیت مورد انتظار، مدرسه به والدین به‌عنوان اولین معلمان کودک می‌نگرد، والدین خود را نیازمند مشاوره می‌دانند و به‌منظور تسهیل ارتباط با فرزندانشان در امور مدرسه مشارکت می‌کنند. کمیته‌های فرهنگی، هنری و ورزشی تشکیل می‌شوند و از تجربه‌های اولیا برای آموزش خانواده بهره می‌گیرند. دانش‌آموزان همراه با اولیا به اردو می‌روند و اولیا و دانش‌آموزان کارکرد مدرسه را نقد می‌کنند و زمینه اصلاح امور را فراهم می‌آورند. معلمان به افزایش دانش و مهارت خود می‌پردازند، دانش‌آموزان در اداره امور مدرسه شرکت فعال دارند و جریان کلاس‌های آموزش خانواده از تجربه‌های اولیا استفاده می‌شود. در چنین جامعه‌ای مدیر و والدین از داشتن ارتباط مؤثر با یکدیگر خرسندند. در جهت تقویت نقاط قوت می‌کوشند و در صدد رفع نقاط ضعف برمی‌آیند. مدرسه و خانه به‌عنوان دو نهاد مهم فعالیت‌های خود را در جهت تعلیم و تربیت دانش‌آموزان هم‌سو و هم‌جهت می‌کنند و فاصله این دو نهاد به حداقل می‌رسد.

پیشنهادها

- قبل از شروع سال تحصیلی به معلمان و دانش‌آموزان و اولیای آنان در زمینه‌های متفاوت و برنامه‌های یک‌ساله مدرسه، آموزش داده شود.
- مدیر اگر فکر و نظری را پسندید و قبول کرد، دلیل آن را به صاحب فکر بگوید.
- از طریق تشویق و ترغیب معلمان به مطالعه و ارائه خلاصه‌ای از آن در جلسه‌ها، فرهنگ خودمطالعه‌ای گسترش داده شود.
- دانش‌آموزان در امر آموزش به نحوی مشارکت داده شوند که تدریس «دانش‌آموزمحور» شود.
- به اولیا و دانش‌آموزان به مناسبت موفقیت‌های آنان کتاب اهدا شود.
- اولیای دانش‌آموزان به مطالعه و کتاب‌خوانی تشویق شوند.

منابع

۱. تورانی، حیدر (۱۳۸۳). مدیریت فرایندمدار. انتشارات تزکیه، تهران.
۲. قاسمی‌پویا، اقبال (۱۳۸۰). مشارکت مردمی در آموزش و پرورش. انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت. چاپ اول.
۳. مجله پیوند، شماره ۲۱۸، آذرماه ۱۳۷۶.
۴. مجله پیوند، شماره ۲۵۴، آذرماه ۱۳۷۹.
۵. فرهنگ مشارکت، سال سوم، شماره ۲، بهار ۱۳۷۶.
۶. فرهنگ مشارکت، شماره دهم، زمستان ۱۳۷۵.